




در مدارا و هم‌زیستی با عقاید دیگر دارد، با تنگ نظری و خشک مغزی اسلام گرایان تکفیری تفاوتی قائل نمی‌شوند.

جهل مقدس کتابی جالب توجه، پر بار و مهم است، اما خالی از ایراد نیست. شاید مهم‌ترین ایرادی که به این کتاب وارد است دامنه بسیار بزرگ تاریخی و جغرافیایی‌ای است که برای خود انتخاب کرده است. جهل مقدس می‌خواهد روایتی از تغییر دین در کل جهان، طی چند قرن گذشته، ارائه دهد. چنین جاه‌طلبی عظیمی بدون ساده‌سازی، تعمیم ناروا، یک‌کاسه کردن پدیده‌های متفاوت از هم، و نادیده گرفتن شواهد ناسازگار ممکن نیست و این کتاب نیز خالی از چنین اشتباهاتی نیست. بهترین نشانه برای آن وفور تعبیراتی مثل «همیشه»، «همه‌جا»، «در طول تاریخ»، «بی‌سابقه»، «هرگز»، و از این قبیل، در کتاب است. مشکل دیگر کتاب، که بی‌ارتباط به ایراد قبلی نیست، انسجام پایین مطالب کتاب است، مسئله‌ای که چند نفر از منتقدان کتاب نیز به آن اشاره کرده‌اند، طوری که به نظر می‌رسد کتاب از مجموعه‌ای مقالات تشکیل شده است که اگرچه در معنای کلی به هم مرتبط هستند، اما این ارتباط چندان ضروری و منطقی نیست و پرش‌های زیادی چه در استدلال‌ها، چه در توصیفات دیده می‌شود. جهل مقدس کتابی است در نقد فرهنگ‌زدایی و بازار جهانی شده‌آرا و ارزش‌ها، اما گاهی به نظر می‌رسد بحث‌های خود آن هم فرهنگ‌زدایی شده و مناسب بازار جهانی افکار است. 

قراردادی بین دین و عرصه عمومی برقرار شده است. آن‌ها عرصه‌های جداگانه‌ای یافته‌اند که به هر کدام اجازه می‌دهد تا در قلمروی خود آزادانه عمل کنند، اما طرف مقابل را نیز به رسمیت بشناسند. این وضعیت، نسبت به مورد قبلی، دایره تاریخی بسیار کوچک‌تری را شامل می‌شود که شامل تاریخ کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی در دو قرن گذشته می‌شود. و نهایتاً وضعیت سوم موقعیتی است که ما امروز در جهان در حال تجربه آن هستیم. روآ، با ذکر مثال‌های گوناگون، نشان می‌دهد که پرسروداترین نمایندگان دین در این روزها نوکیشان تکفیری بنیادگرایی هستند که فرهنگ کشور خود یا، در سطحی بالاتر، فرهنگ اکثر مردم جهان را کفرآلود و مشرکانه می‌دانند و وظیفه خود را در ستیزه با آن تعریف می‌کنند. به اختصار آنچه روآ «جهل مقدس» می‌خواند این شیوه تکفیری دین‌داری است که از نظر او در تاریخ عمومی ادیان جهانی و، از همه مهم‌تر، مسیحیت و اسلام، جز استثنائاتی، سابقه نداشته است.

اهمیت تلاش روآ برای تعریف و صورت‌بندی آنچه جهل مقدس می‌خواند را باید در چارچوب گسترده‌تری درک کرد که او خود را با آن رویاروی می‌بیند. روآ رسانه‌های جریان اصلی در غرب و همین‌طور محققان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی یا شرق‌شناسی در دانشگاه‌های غربی را نقد می‌کند که جوانان رنگین پوست، فقیر یا معترض کشورهای اروپایی را که به تازگی به اسلام گرویده‌اند و طرفدار ترور و خشونت‌اند با «مسلمانان» یک‌کاسه می‌کنند و میان اسلام فرهنگی، که سابقه‌ای شایان توجه

است به یافتن عیسی مسیح، الله یا گورو». این نوکیشان چون به عقیده‌ای مخالف با جهان پیرامون خود می‌رسند، تمایل فراینده‌ای پیدا می‌کنند تا به فرهنگ قبلی خود خصومت ورزند.

خوب است برای درک بهتر تمایز این نحوه از تعامل دین و فرهنگ از تقسیم‌بندی خود روآ استفاده کنیم. روآ ادعان می‌کند که بسیاری از ادیان، من جمله ادیان ابراهیمی، حاوی استقلال‌دلی ذاتی از فرهنگ‌اند و، به درجات مختلف، فرهنگ را تقبیح، انکار یا مذمت می‌کنند. با این حال، این فاصله‌گذاری با فرهنگ رایج زمانه انواع مختلفی دارد. مشخصاً می‌توان از سه نوع مواجهه دین و فرهنگ سخن گفت:

- ۱- وضعیتی که دین فرهنگ زمانه خود را «دنیازده» می‌بیند.
- ۲- وضعیتی که دین خودش را دارای قلمرویی مجزا و خودمختار از فرهنگ می‌بیند، اما فرهنگ را هم به رسمیت می‌شناسد.
- ۳- وضعیتی که دین فرهنگ را کفرآمیز و گناه‌آلود به شمار می‌آورد.

وضعیت اول معمول‌ترین نوع تعامل دین با فرهنگ است که در بازه‌های طولانی تسلط ادیان دیده می‌شود، وضعیتی که در آن دین، از موضع پند و یارسانی، جنبه‌هایی از مادی‌زدگی و دنیاپرستی فرهنگ را تقبیح می‌کند و به زندگی اخروی یا متعالی‌تر فرامی‌خواند. در این وضعیت، دین فرهنگ را دشمنی که باید با آن ستیزید نمی‌داند، بلکه تلاش می‌کند تا همکاری و هم‌زیستی مصلحانه‌ای با آن بسازد.

وضعیت دوم، مشخصه دوران «سکولاریزاسیون» است، یعنی وضعیتی که مرزی دوطرفه و

**جدایی دین از فرهنگ از سوی به دین قابلیت «جهانی شدن» می‌دهد و از سوی دیگر، می‌تواند منتهی به رشد گرایش‌های بنیادگرایانه شود.**